

ای عشق چه جان ماکه بداد می برباد

مجموعه سی رباعی و دویتی

www.ketab.ir

عبدالمجید زنگویی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
اطلاعات رکورد کتابشناسی
- زنگونی، عبدالمجید، ۱۳۱۶ -
ای عشق چه جان‌ها که بدادی بر باد : مجموعه‌ی رباعی و
دوبیتی/عبدالمجید زنگویی.
شیراز: انتشارات لیان، ۱۴۰۰.
۹۹ ص.
978-964-8608-97-7
فیبا
شعر فارسی-- قرن ۱۴
Persian poetry -- 20th century:
۸۰۷۶ PIR:
۸۱۶۱/۶۲
۸۴۶۰۱۵۲:
فیبا
تاریخ درخواست : ۱۴۰۰/۰۵/۲۵
تاریخ پاسخگویی :
کد بیکری : ۸۴۵۹۲۴۲

ای عشق چه جان‌ها که بدادی بر باد
عبدالمجید زنگویی

- شمارگان
نوبت چاپ
تاریخ چاپ
صفحه آرائی
طرح جلد
چاپ و صحافی
شابک
- : ۵۰۰ جلد
: اول
: ۱۴۰۰
: تاراسیستم (سارا حجتی)
: ۰۹۱۷۷۱۶۶۳۲۶
: سمیه بهمنی
: نهضت پویا
: ۰۹۷۸-۹۶۴-۸۶۰۸-۹۷-۷

انتشارات لیان

شیراز، خیابان ولی عصر، کوچه ۲۶، آخر کوچه، سمت راست، ساختمان B واحد ۱

تلفن: ۰۷۳-۳۶۴۸۴۰۷۳-۰۷۱ همراه: ۰۹۱۲۲۱۱۶۸۳۳

فهرست

شماره	مصرع نخست چهار گانه‌ها	صفحه
	رباعی‌ها	
۱	سنگین شده خواب و گوششان ناشنوا	۱۵
۲	«تارا» همه زندگی و جان است مرا	۱۵
۳	دنیا همه بیدار و من استم در خواب	۱۶
۴	تلواسه چو موج در دلم افتاده است	۱۷
۵	زحمت برسد و جای رحمت بنشست	۱۷
۶	گویند: که «علم سر به پا گمراهی است!»	۱۸
۷	تا راه خرافه کیش و آیین من است	۱۸
۸	اندیشه به بند چهل شوم افتاده است	۱۹
۹	«بگذشته‌ی من جرّغ فردای من است»	۱۹
۱۰	کانون ادب ز لطف تو پنهان یافت	۲۰
۱۱	با «مرغ سحر» خسرو آواز برفت	۲۰
۱۲	خشمش همه اقلیم گلم را بگرفت	۲۱
۱۳	چشمان تو آیتی ز اعجاز خداست	۲۱
۱۴	گفتند بهشت! گفتم اینک رخ دوست	۲۲
۱۵	هشتاد گذشت و عشق همپای من است	۲۲
۱۶	شهد و شکر و گل از دهانت جاریست	۲۳
۱۷	یلدا که ظهور تابش خورشید است	۲۳
۱۸	در آتش عشق تو سراپایم سوخت	۲۴
۱۹	خورشید رخت دلم منور کرده است	۲۴
۲۰	الهام چو سر رسید، شعرم جان یافت	۲۵

شماره	مصرع نخست چهارگانه‌ها	صفحه
۶۱	در پای درخت جان تبر بنهادند	۴۶
۶۲	بر باور ما تهمت سد رنگ زدند	۴۶
۶۳	جنگل به تبردار سر و کار افتاد	۴۷
۶۴	ماییم و عذاب و اخم شب‌های بلند	۴۷
۶۵	گر نور بصر رود جهان تار شود	۴۸
۶۶	ای کاش خدا زندگی‌ام را می‌دید	۴۸
۶۷	ما را به دروغ و درد دلخون کردند	۴۹
۶۸	انوار رحمت به هر کران می‌تابد	۴۹
۶۹	گویند: که خبر و شر زهم دلگیرند	۵۰
۷۰	یلدا خبر از گذشت پاییز آورد	۵۰
۷۱	در خانه‌ی دوست سیل غم جاری شد	۵۱
۷۲	آنان که هوای باغ و بوستان کردند	۵۱
۷۳	لبخند فروغ مهر، یلدا را شد	۵۲
۷۴	ماییم و شعور و مکتب کشف و شهود	۵۲
۷۵	آمد دل من ربود و با خویش ببرد	۵۳
۷۶	در بحر عذاب و تیره‌روزی غرق‌اند	۵۳
۷۷	دوشینه خبر بیامد از مرغ سحر	۵۴
۷۸	ماییم و جنون عشق و یک دنیا شور	۵۴
۷۹	شب چون گذرد برآید آثار سحر	۵۵
۸۰	گلبنگ هزار گفت: «اینک نوروز»	۵۶

شماره	مصرع نخست چهارگانه‌ها	صفحه
۸۱	با مهر وجود خود، مرا نور ببخش	۵۷
۸۲	دیر به تو دایر است و بالنده به خویش	۵۷
۸۳	بن‌مایه‌ی اشعار ترم گشت فروغ	۵۸
۸۴	ایمان من اگر زمن گسسته است فروغ	۵۸
۸۵	تا باور من نشست بر کشور عشق	۵۹
۸۶	در بحر خرافه و حماقت غرقیم	۶۰
۸۷	تا در تو فنا شدم خدا را دیدم	۶۰
۸۸	فریاد شویم و شور برپا سازیم	۶۱
۸۹	در محفل مهر قصه آغاز کنیم	۶۱
۹۰	با شعر بیا جهان دگرگون سازیم	۶۲
۹۱	دلخوش ز فروغ مهر تابان استم	۶۲
۹۲	نوریم و به عمق تیرگی می‌تازیم	۶۳
۹۳	از مسجد و از کنشت دور افتادیم	۶۳
۹۴	تندر شده از ابر خبر می‌آریم	۶۴
۹۵	ز آواز و خروش و قیل و قال افتادیم	۶۴
۹۶	مهتاب رخت به قاب دل کاشته‌ام	۶۵
۹۷	ما مرد رهیم اگر که با هم باشیم	۶۵
۹۸	در خانه‌ی پاک قلب تو می‌مانم	۶۶
۹۹	ما، مار در آستین خود پروردیم	۶۶
۱۰۰	در خاطره‌ام عشق تو را حک کردم	۶۷
۱۰۱	هشتاد و سه سال پشت سر بنهادم	۶۷